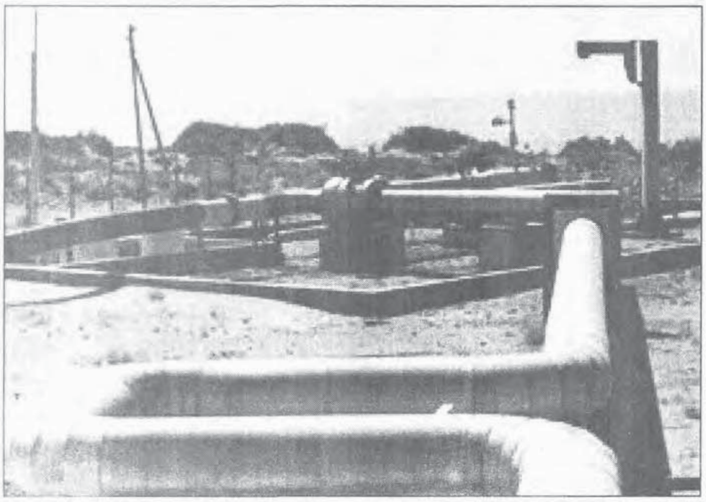
هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان
دور ششم - سال نهم - شمارهٔ بیست و دوم ۳ میزان ۱۳۸۹ ۱۶ شوال المکرم ۱۴۳۱ - 25 september 2010

سرمقاله
صلح
ص۲

روز جهانی صلح
به مثابهٔ نیاز مبرم مردم افغانستان
ص۳

پروژهٔ انتقال گاز از ترکمنستان به جنوب آسیا



اگر به گذشتهٔ طرح انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به جنوب آسیا توجه نمائیم به مسایلی برمی خوریم که بیش از اینکه به منافع اقتصادی کشورهای منطقه رابطه بگیرد، به اهداف سیاسی کشور های خارج از این منطقه پیوند می یابد.

****

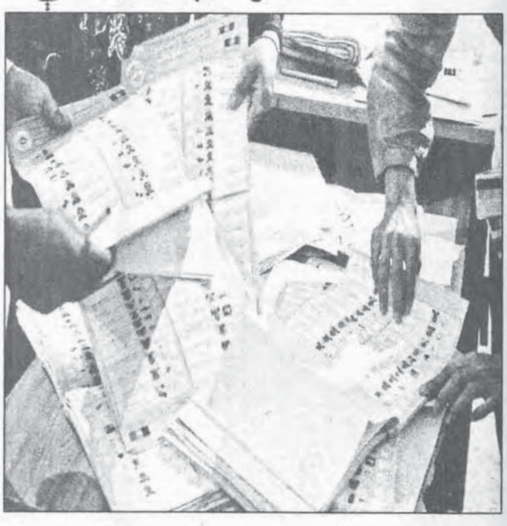
پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری های تازه به استقلال رسیدهٔ آسیای میانه سخت آرزو داشتند تا از نظر اقتصادی نیز به استقلال دست یابند و برای اینکار درصدد برآمدند تا از منابع معدنی خود استفاده نمایند. از جانب دیگر افغانستان به عنوان مسیر نزدیکتر و با صرفه تر برای تمدید خطوط لولهٔ نفت وگاز مورد توجه بود ص۲

انتخابات ریاست جمهوری پس از یک سال
ص۵

د ننگرهار په ولایت کې ټاکنوته یوه ځغلنده کتنه:

ترځو چې د تذکرو په بنیاد ټاکنې ترسره نشي، هیځکله هم شفافي نشی ترسره کیداې!

رفیق بحر



د هیواد د نورو ولایتونو په څیر د ننگرهار په ولایت کې هم ټاکنې ترسره شوې خو له لومړي پړاو څخه وروستي تر پړاو پورې په تقلب. تخلف او درغلیو ډکې وې او حکومتي مسوولینو او د ټاکنو خپلواک کمیسیون یې په اړه په خپل وخت هیڅ مخنیوی ونکړ.

د تخلف عمده مثال یې د ځینو دولتي دوایرو او حکومتی امکاناتو د یو شمیر کاندیدانو په گټه کاریدل وو چې په لومړي پړاو کې د ښاروالی ولاړې لوحې همدې ځانگړو کاندیدانو ته په وړیا یا په هیڅ برابر بیې ورکړی شوې وې او نوروته به یې د هغې کرایه ډیره گرانه وئیله.

همدارنگه د یوشمیر کاندیدانو لخوا د لکونو ډالرو د لگښت په کولو سره هم له هغوي څخه پوښتنه نه کیدنه او پدې پروسه کې ورته د کاندید پاتې کیدو اجازه ورکول (د دې سره سره چې دغه لگښتونه په هیڅ صورت د دوې ځانې توان نه وو. خامخا د سفارتونو لخوا ورکړاې شوي وو) د قانون څخه سرغړونه ده. همدارنگه د انتخاباتي پروسې د مامورینو د غوراوي پر مهال که څه هم سمبولیک تعهد ورڅخه اخستل شوی وو خو کله چې دوې د ډي ایف سی په پوستونو وگمارل شو او د نورو پرسونل لیارد یې، ۷مخ

تفاهمنامهٔ احداث خط آهن

از حیرتان تا تورخم



تفاهم نامهٔ ایجاد خط آهن میان افغانستان و کمپنی کشور چین در کابل به امضا رسید

وحیدالله شهرانی وزیر معادن افغانستان در یک نشست خبری مشترک گفت: با احداث خط آهن که به طول ۹۳۰ کیلو متر است نه تنها تولیدات مس از معدن عینک، بلکه سایر اموال تجارتی نیز با کرایهٔ نازل به خارج انتقال خواهد یافت.

آقای شهرانی خاطرنشان کرد: مصارف این پروژه بیش از چهار میلیارد دالر امریکایی خواهد بود که از سوی بانک آسیایی تمویل می شود.

در این نشست وزیر فواید عامه گفت: احداث خط آهن حیرتان الی تورخم، به منظور انتقال تولیدات مس عینک و همچنین ایجاد سهولت در جابجایی مسافرین را با یک شرکت چینی به امضاء رسانیدند.

این تفاهمنامه با کمپنی ام سی سی، چینایی که برنده استخراج مس عینک لوگر است در کابل به امضا رسیده است.

احداث یکهزار کیلو متر خط آهن در کشور، علیرغم ایجاد زمینه کاری برای مردم، نگرانی هایی را نیز از نبود امنیت در مسیر خط آهن برای مردم به وجود آورده است. اما مقامات وزارت داخله می گویند که جهت تأمین امنیت این پروژهٔ ملی آمادگی های لازم را دارند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

صلح

جهان در انتظار صلح است. این یک شعار نه بلکه از واقعیت های زندگی اجتماعی است. دنیا از ظلم و جنگ به ستوه آمده و درپی برقراری صلح وآشتی میان ملت ها است. ما همه مردم دنیا از ستم و بیدادگری به ستوه آمده ودر آرزوی صلح واقعی به سر می بریم.

صلح زمانی پدید می آید که تمام ملت ها به حیث ملت های مساوی در کنار هم زندگی کنند و هیچ یک بر دیگری از لحاظ نژاد، رنگ و برتری طبقاتی در موقف بزرگ و برتر نباشد.

صلح و برادری میان انسان ها است و باید تمام اهل دنیا تمام همنوعان خویش را برادر خطاب نمایند و در میان ایشان طرح انسان دوستی و محبت بریزد.

تمام انسان ها از لحاظ آدمی باهم برادر اند و نباید کسی بر دیگر انسان ها احساس برتری و فخرفروشی نمایند. همه انسان ها از لحاظ دوستی و آدمیت در کنار هم قرار دارند و نباید یکی بر دیگری احساس غرور و برتری داشته باشد. چرا انسان ها از جنگ خسته می شوند و در پی به میان آمدن صلح برمی آیند؟ همه انسان ها از صلح وآرامی لذت می برند وتعداد اندکی آنهم در میان صد ها هزار انسان، در پی فکر نابودی بشر اند وآنهم از طریق تسلط وسیطره بر دیگران!

هیچ یک از انسان هایی که طرفدار صلح و امنیت اند در پی نابودی انسان های دیگر و در پی اضمحلال انها نیستند. پس چرا جنگ به میان می اید و چرا انسان ها در برابر دفاع از خود به تلاش و چارهٔ زندگی بهتر و دفاع از خود می شوند؟ چرا انسان ها و دولت ها هزاران میلیون دالر را فدای مبارزات تسلیحاتی خود می کنند؟ و خود را بهتر و قوی تر از همه همسایگان و نزدیکان خود و حتی در دنیا به حساب می اورند؟

این حساب ها فقط از روی بی باوری و بی اعتمادی میان انسان ها است و دولت هایی که حتی میزان مردم آنها از نگاه سواد و دانش نیز بسیار کم است در فکر توانمندی های ضروری خویش بر آمده اند! آیا نمی شود که این همه هزینه ها را روی تعلیم وتربیت اولاد و عزیزان شان کرد و دنیا را از یک خطر بزرگ رها ساخت؟ همه می دانند که چرا کشورهای بزرگ دنیا دارای سلاح های اتمی است و چرا دیگران چنین سلاح های را در اختیار نداشته باشند؟ هرگاه کشورهای بزرگ دنیا در فکر چاره و دفاع اتمی خویش برآیند، پس کشورهای کوچک دنیا چه چارهٔ بنمایند و از خود و کشورهای خود دفاع نمایند؟ آیا صلح یک ضرورت همیشگی برای همه ما نیست؟ و چرا ما و کشور ما از بروز چنین فاجعه های دنیا در امن نیستیم؟ آیا ما یعنی انسان ها ضرورت تأمین امنیت و ختم جنگ را در کشور خود و درکشورهای حوزه و منطقهٔ خود احساس نمی کنیم و برای از بین بردن آن تلاش نمی کنیم؟ آیا همین پنج قدرت اتمی، دنیا را به سوی یک حالت جنگی به سر نبرده اند و آیا کشورهای در حال ضعف و ناتوان در مقایسه با دیگر کشورهای به این پیمان نپیوستند؟ چرا هند و پاکستان به این سلاح دست یافته اند و از هر کدام شان که بپرسید همین جواب را می دهد که طرف مقابل ما چرا چنین سلاحی در اختیار دارد؟ چرا اسرائیل در میان کشورهایی عرب دارای سلاح اتمی است و چرا به کشورهای دیگر اجازهٔ دریافت چنین سلاح هایی داده نمی شود؟ بیایید به فکر چاره اندیشی برای صلح و آشتی باشیم و تمام زوایا و بدگمانی ها را از جا برکنیم!

بیایید تا همه روی این بهانه ها و طرز کارها فکر کنیم و برای حل چارهٔ بشریت از روی نظم و ترتیب، احساس آرامش نماییم تا هیچ یک از ما در فکر دفاع از خود نباشد و در پی بهبود وضع زندگی خود و افراد همنوع باشند و ما می توانیم همه با یک فکر درست و صحیح و سالم به این راه ادامه بدهیم. انشاء الله که خداوند بزرگ، ادامه دهندهٔ راه درست و صحیح ما است و باید دنیا را از این خطر بزرگ، رهایی دهیم!

پروژهٔ انتقال گاز از ترکمنستان به جنوب آسیا



وحید مژده

سالهاست که موضوع انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به جنوب آسیا موضوع بحث بوده و حتی به میان آمدن طالبان در سال ۱۹۹۵ نیز به این پروژه ارتباط داده شده است. اکنون به نظر می رسد که سرانجام این پروژهٔ جنجالی در حال پیاده شدن از طرح به عمل است.

وزیر معادن افغانستان اعلام داشت که توافق نامه یی که چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان در سال ۱۹۹۲ روی آن به توافق رسیده بودند در ۲۹ سرطان ۱۳۸۹ به امضا رسید و اکنون قرار است تا رهبران چهار کشور به منظور حمایت سیاسی جهت تطبیق بر وقت و موثر پروژه آن را امضا کنند. به قول وزیر معادن افغانستان تا اخیر ماه دسامبر ۲۰۱۰ این توافقنامه مورد تائید روسای جمهور این چهار کشور قرار خواهد گرفت.

اگر به گذشتهٔ طرح انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به جنوب آسیا توجه نمائیم به مسایلی برمی خوریم که بیش از اینکه به منافع اقتصادی کشورهای منطقه رابطه بگیرد، به اهداف سیاسی کشور های خارج از این منطقه پیوند می یابد. یک دلیل این سردرگمی در مورد اهداف این لولهٔ گاز و سیاسی شدن بیش از حد آن اینست که بعضی از تحلیلگران سیاسی ظهور طالبان در افغانستان را با اهداف کمپنی های فراملیتی نفتی در آسیای میانه در رابطه دانسته اند زیرا جنگ داخلی در افغانستان مانع تطبیق پروژه های انتقال نفت و گاز از آسیای میانه به جنوب آسیا بود و به همین دلیل طالبان به میان آورده شدند تا با ایجاد امنیت در این مسیر، زمینه را برای احداث شاه لولهٔ انتقال گاز مهیا سازند.

شکی نیست که منافع اقتصادی دو کمپنی نفتی یونیکال از امریکا و بریداس از ارجنتاین در مقاطعی از زمان باهم در اختلاف قرار گرفت اما در این مورد خبرنگاران و رسانه ها زیاد مبالغه کرده اند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری های تازه به استقلال رسیدهٔ آسیای میانه سخت آرزو داشتند تا از نظر اقتصادی نیز به استقلال دست یابند و برای اینکار درصدد برامدند تا از منابع معدنی خود استفاده نمایند. از جانب دیگر افغانستان به عنوان مسیر نزدیکتر و با صرفه تر برای تمدید خطوط لولهٔ نفت وگاز مورد توجه بود. در میان رهبران این جمهوری ها، صفر مراد نیازوف بیش از دیگران به طالبان به عنوان نیرویی که بتواند در این مسیر امنیت را تامین نماید می نگریست.

جمهوری ترکمنستان بعد از اعلان استقلال به مشکلات بزرگ اقتصادی مواجه شد زیرا صنایع در کشور های آسیای میانه با هم مرتبط بودند و استقلال این جمهوری ها، صنایع را در هرکشور به رکود مواجه ساخت. نیازوف امیدوار بود تا کمپنی های نفتی غربی به سراغ منابع نفت وگاز در این کشور بروند ترکمنستان از مشکلات اقتصادی نجات یابد اما تا مدت ها جز کمپنی نفتی بریداس از امریکای جنوبی، کمپنی های دیگر به سراغ ترکمنستان نرفتند.

کارلوس بالگرونی رئیس ماجراجوی کمپنی بریداس با استفاده از این فرصت خود را به ترکمنستان رسانید. ترکمن های تازه به استقلال رسیده که تجربه یی در کار حکومت داری نداشتند تحت تاثیر وعده های بالگرونی قرار گرفتند و با این کمپنی قرارداد های مهمی را به امضا رسانیدند.

این قراردادها به بریداس موقع داد تا به جستجوی منابع جدید گاز در این کشور براید. بریداس موفق شد تا حوزهٔ گاز (یاشلر) در شرق ترکمنستان منابع عظیم گاز را کشف نماید. در مناطق دیگر ترکمنستان نیز برمه های این کمپنی به نفت رسید.

از اواخر سال ۱۹۹۴ نیازوف متوجه شد که بسیاری از این قرارداد ها به ضرر ترکمنستان است. گفته می شد که بریداس در ابتدا با دادن هدیه و رشوه به مقامات ترکمن قراردادهایی را عقد نموده بود که بیشتر به نفع خودش بود. به همین دلیل نیازوف خواهان تجدید نظر در قراردادها با بریداس شد و در سال ۱۹۹۵ جمعی [illegible] مسوولین این شرکت را از ترکمنستان اخراج نمود.

در این زمان کمپنی یونیکال با دولت ترکمنستان داخل مذاکره شد و نیازوف در صدد برآمد تا از رقابت میان دو کمپنی به نفع ترکمنستان استفاده نماید. با تسخیر کابل توسط طالبان، بریداس با انها در تماس شد. اندکی بعد، کمپنی یونیکال نیز در صدد برآمد تا دفاتری در قندهار و کابل تاسیس نماید.

هردو کمپنی تعدادی از سران طالبان را به امریکا و ارجنتاین بردند تا توانایی کمپنی های خود را به آنان نشان دهند. افراد طالبان که به امریکا رفتند، مهمان زلمی خلیلزاد مشاور کمپنی یونیکال بودند.

۱- مدت قرارداد ترانزیت گاز با افغانستان باید مطابق به میعاد قراردادی باشد که بین کمپنی و دولت ترکمنستان عقد می گردد.

۲- بعد از زمان ختم قرارداد، تمام پایپ لاین ها وتاسیسات مربوط به آن در خاک افغانستان با تمام وسایل حفظ و مراقبت ان باید به ملکیت دولت افغانستان درآید.

۳- پایپ لاین باید از کنار جادهٔ تورغندی الی سپین بولدک به شکل موازی با آن تمدید گردد و کمپنی باید در آغاز کار این جاده را بازسازی اساسی نماید.

۴- کمپنی باید در دو شهر هرات و قندهار در مناطقی که از طرف وزارت فواید عامهٔ افغانستان مشخص می شود شهرک هایی غرض اقامت کارگران و کارمندان ایجاد نماید.

۵- کرایهٔ ترانزیت که به افغانستان از بابت انتقال گاز تعلق می گیرد باید با نوسانات انفلاسیون و قیمت بین المللی انرژی در رابطه باشد.

۶- درصورتی که امکانات تخنیکی اجازه دهد و شرایط ایجاب نماید باید افغانستان حق داشته باشد تا مقداری از گاز خود را در این پایپ لاین داخل نموده و در نقطهٔ دیگری از ان خارج سازد.

۷- اختلال در جریان صدور گاز که افغانستان در آن نقشی نداشته باشد در کرایه وحقوق افغانستان تاثیری نخواهد داشت.

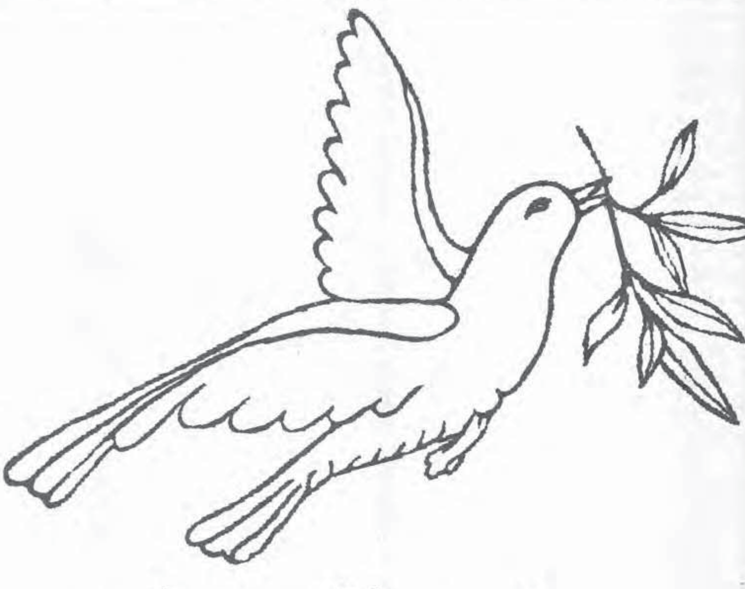
درسال ۱۹۹۸ امریکا مناطقی در افغانستان را که گفته می شد پایگاه های آموزشی افراد القاعده است مورد حملات موشکی قرار داد و به این ترتیب امکان تمدید خط لولهٔ گاز از مسیر افغانستان برای کمپنی های امریکایی در صورتی که طالبان بر اریکهٔ قدرت باشند، ناممکن شد.

***

بعد از سقوط طالبان، موضوع تمدید این خط لوله از سال ۲۰۰۲ میان دولت افغانستان و کشور های ذینفع بار ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. مذاکراتی در عشق آباد، کابل، اسلام آباد و مانیلا صورت گرفت و سرانجام فیصله شد تا هندوستان هم به این پروژه بپیوندد.

دولت ترکمنستان بعد از مطالعات دقیق اطمینان داد که ظرفیت استخراج

ص۵



روز جهانی صلح

به مثابهٔ نیاز مبرم مردم افغانستان

تکساری

روز جهانی صلح پس از رویداد هولناک یازدهم سپتمبر که حمله به مرکز تجارتی جهانی نیویارک و پنتاگون در واشنگتن را نشانه گرفته بود، به روز ۲۱ سپتمبر همان سال، از سوی این سازمان اعلان گردید.

نام گذاری یک چنین روز، در حقیقت کفارهٔ قرن ها سکوت و بی اعتنایی در جهت تفاهم و مسالمت بین المللی از سوی امریکا و اروپا می باشد. آنچه در این نامگذاری در گام نخست باید گفته شود، این است که کشور های بزرگ سرمایه داری، چون: امریکا و اروپا به حق و عدالت و کرامت انسانی بازگشت نمایند. نام گذاری روز جهانی صلح در شرایطی از سوی سازمان ملل، برای یک روز اعلام گردید، که دیگر جنگ سرد و تشنج، میان شرق کمونیزم و سرمایه داری غرب فروکش نموده است.

روز جهانی صلح در افغانستان در شرایطی تجلیل می گردد که انسان های مظلوم و بی دفاع در دشت ها، صحرا ها و دهات افغانستان از سوی نیرو های ناتو و مخالفان دولت کشته می شوند، در یک چنین شرایط، از خشونت، خشونت بر می خیزد و از درخت زقوم میوهٔ نجات چیده نمی شود. با یک نام گذاری سیاسی و تشریفاتی نمی توان در میان کشور های جنگ زده و متشنج، به ویژه در کشور ها ی افریقائی و آسیائی، که در آتش جنگ می سوزند صلح را به وجود آورد. صلح در مقوله های دینی و فرهنگی جهان تعریف های متفاوت داشته است؛ وقتی ما از واژهٔ صلح در افغانستان صحبت می کنیم، باید تصویر روشنی از نظر دین اسلام، منطقه و جهان داشته باشیم. قبل از همه باید استراتیژی صلح در افغانستان تدوین گردد، شاخصه ها و راه رسیدن به آن خط کشی و مهندسی گردد.

ما نیاز داریم تا جای خشونت و بی باوری را صلح فراگیرد؛ زیرا در موجودیت صلح می توان پایه های وحدت ملی و حکومت ملی را به وجود آورد؛ زیرا نتیجه و استراتیژی جنگ یک حکومت استبدادی و غیر ملی است. هر چند جنبش ضد جنگ، پس از جنگ سرد میان شرق و غرب، در حال گسترش می باشد با آن هم جنگ های اقتصادی، جنگ های مذهبی، جنگ های سیاسی و جنگ های سرزمین، از ویژگی های جنگ های امروزی به شمار می رود. حرکات ضد جنگ در کشور های اروپائی و امریکائی، حکومت های خویش را، از طریق مبارزات آرام و صلح جویانه مورد فشار قرار می دهند، تا از لشکر کشی و جنگ دست بردارند؛ طوری که در زمان حضور نظامیان امریکا در عراق و سایر مناطق جهان، چنین عکس العمل هایی را از سوی شهروندان خویش شاهد بودند. هر چند در نظریات هابز انسان بالطبع شریر، خود خواه معرفی شده و در طبیعت انسان، همکاری و تعاون وجود ندارد و در نهایت انسان گرگ انسان می باشد، این نظریه جایش را به نظریات معتدل تر باز نموده است و آن نظریات روسو و لاک می باشد که انسان موجودی است دارای طبیعت مسالمت آمیز و نیکو سرشت، یاری ده و مهربان. هر دو نظریه در مورد انسان ها، تا حدی صادق می باشد و آن چه در اینجا مهم است، موجودیت یک قرارداد اجتماعی می باشد که انسان ها نتوانند پای خود را از آن بیرون نهند، زیرا انسان همواره در یک رقابت و تنازع بر سر ثروت های طبیعی قرار دارد. پاره یی از نیاز های انسانی، پس از فوران فرو می نشیند، مانند خورد و خواب و .... اما یک نیاز آدمی زاد فرو نمی نشیند و چون دوزخ به تعبیر قرآن کریم هر چه در کامش بریزند تشنه و حریص تر می گردد و آن نیاز به تصاحب و تملک است.

عطش انسان به تصاحب و تملک،حرص و آز، گریبان او را تا لب گور رها نمی سازد. انسان مغرور و خودخواه همواره در این فکر است که مبادا از چنین مواهب کمتر به دست آورد؛ از همین روست که انسان تسلیم طبیعت سرکش خود می گردد و روز و شب در ستیز و پیکار، بر سر ربودن لقمهٔ نان از دهان دیگران می باشد. از نتیجهٔ بحث های گذشته معلوم می شود که انسان موجودی مدنی است و دارای اندیشه و اراده می باشد و این انسان است که محیط را عوض می کند و طرف دار تغییر و بهتر زیستن می باشد. جامعهٔ انسانی از دید دیگران به گلهٔ گوسفند نمی ماند که افلاطون آن را تصویر نموده است. وقتی افلاطون حکیم حاکم را پیشنهاد نمود و مردم دیدند که این حکیم حاکم که گوسفندان بدان سپرده شده است چون عنقا از دسترس انسان ها به دوز است. در این شکی وجود ندارد، حکیمی که بتواند حاکم باشد بسیار چیز مطبوع و خوش آیند است؛ اما در کجا باید آن حکیم را به دست آورد و تا کی می توان در انتظار آن نشست، آنچه پایهٔ این تیوری ها را سست کرده است، قوام زندگی با عشق به عدالت است، هر که ایمانش بیشتر، عشقش فزونتر است و خدا قایم به عدالت است، عدالت پاس داشتن مرز هاست، قانع شدن به حق خویش و تجاوز نکردن به حق دیگران میباشد.

امروز افغانستان نسبت به هر کشور دیگر نه تنها به صلح نیاز دارد، بلکه به قوام عدالت اجتماعی نیاز بیشتر دارد زیرا کشور در بحران های پیچیده یی سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است و بسیاری از کشور های جهان به این هدف یعنی صلح در این سرزمین تجربه می اندوزند.

طوریکه می دانیم این کشور به مرکز دهشت افگنی جهان تبدیل شده است و بیش از جهل کشور جهان به بهانهٔ مبارزه با دهشت افگنی. بازگشت به صلح سیاسی به این کشور حضور دارند که مردم افغانستان به ویژه جوانان کشور را در یک سردر گمی موهوم و کسل کننده قرار داده و جوانان کشور را بیشتر آسیب پذیر ساخته است. زیرا ادامهٔ و تداوم جنگ به وسیلهٔ جوانان در هر دو طرف متخاصم به پیش برده می شود.

امروز تعدادی از جوانان کشور که در مناطق ناامن به سر می برند، در زیر سایهٔ سنگین تبلیغات و جنگ روانی قرار دارند و شبکه های هراس افگن از آنها سرباز گیری می کنند. تعدادی از این جوانان در مدرسه های کشور های همسایه، فن انفجار و انتحار را می آموزند و دوباره به کشور بر می گردند، خود و دیگران را می کشند، مکاتب را به آتش می کشند، در برابر زن و مکاتب دخترانه از خود نفرت نشان می دهند تا سعادت اخروی را به تعبیر خودشان به دست آورند، بی مورد نیست که شعار جهانی صلح تحت شعار، (جوانان و بزرگسالان برای تامین صلح جهانی متحد شوند)، توجه بیشتر به جوانان مبذول شده است و در این شعار ایجاد فرصت های شغلی برای جوانان نیز در نظر گرفته شده است.

شعار هایی که از سوی حکومت های افغانستان در ظرف سه دهه برای صلح عنوان گردیده است، هیچگاه راهی به پیروزی نداشته است؛ بلکه در سایهٔ این شعارها زمینه های تشدد بیشتر گردیده است، زیرا این شعار ها ابزار گونه، مقطعی و بدون برنامه بوده است. بارها دیده شده است که در برابر طرح برنامه های صلح دولت، استخبارات کشور های منطقه قد بر افراشته و کسانی که در آن سوی مرز ها به صلح تمایل داشته اند، استخبارات کشور های همسایه، آن ها را از میان برداشته است.

تجربه نشان می دهد که هر نوع صلح و ثبات سیاسی بستگی به کشور های همسایه، به ویژه استخبارات آن دارد. در حال حاضر دولت در نظر دارد بر مبنای قطعنامهٔ جرگهٔ مشورتی صلح، نهادی را به نام شورای عالی صلح در آینده ایجاد کند که همه چشم ها به سوی این شورای عالی دوخته شده است. دیده شود این شورای عالی منتج به کدام فعالیت هایی در آینده خواهد گردید. از قطعنامهٔ سازمان ملل متحد در مورد صلح معلوم می شود که صلح به عنوان یک آرمان و آرزوی مشترک، همه ملت ها محسوب می گردد. اکثریت کشور های جهان از رفاه و مزیتی که صلح برای آن ها به بار آورده است، بهره مند گردیده اند و مردم افغانستان حق دارند تا از آن رفاه و آسایش که در سایهٔ صلح به وجود می آید نیز بهره مند گردند.

در اواخر سال ۲۰۰۱ م و آمدن نیرو های امنیتی از سوی ملل متحد این تصویر به وجود آمد که حیات جدیدی در افغانستان ایجاد خواهد گردید که در آن صلح و ثبات به این کشور باز خواهد گشت؛ اما با گذشت زمان و نظر به عوامل متعدد، یکبار دیگر بحران اعتماد کشور را در خود درنوردید و آتش فتنه و نفاق کشور را، در هاله یی از بی باوری قرار داد، صلح در افغانستان وقتی قابل دسترسی خواهد بود که دولت و مخالفان آن در خود بازنگری نموده و به گفتهٔ کوفی عنان سر منشی اسبق سازمان ملل در رابطه به خرابی هایی که بر مردم و سرزمین شان آورده و می آورند، بیاندیشند. باید گفت که با چنین نام گذاری مجرد و تشریفاتی نمی شود صلح را در کشور های جنگ زده به وجود آورد.

در گام نخست یک ارادهٔ سیاسی و یک تفاهم منطقه یی به خاطر به وجود آوردن صلح و ثبات در افغانستان باید ایجاد گردد و یخ های بحران اعتماد باید از میان برداشته شود، این کار به یک استراتیژی ملی، بین المللی و منطقه یی نیاز دارد.

اندیشه های عرفانی ابن عربی

یوهندوی عبدالعلی کوهی

ابو بکر بن محمد بن علی مشهور به محی الدین عربی در سال ۵۶۰ هجری در اندلس به دنیا آمد ودر سال ۶۳۸ هجری در دمشق در گذشت.

درک افکار ابن عربی را هرابجد خوان نمی تواند. بدون مراجعه به شرح افکار و عمق معانی آن دست یابد.او انسان کامل را ز بده ترین وپر جلال ترین وخلاصه موجودات در دایره آفرینش می داند.

باید گفت که ابن عربی از بنیانگذاران وحدت وجود ، در دنیای اسلام است.ازنگاه او رابطه خدا ووجود جز با شرح فلسفی میسر نمی گردد ووجود فلسفی همان موجود مطلق است ووجود مطلق را با علت اولی تمام وجود یکی می دانند.

وجود فلسفی، وجود بی نیاز، خیر بالطبع و بخودی خود کامل بوده است.

فلسفه وجودی افکاریست که از یونان باستان گرفته تا فلسفه عصر معاصر را به خود معطوف داشته است. طوریکه افلاطون به واحد خود شهرت دارد.

ابن عربی وجود حق و خلق را در مظاهر و ظواهر که همواره در عالم ساری وجاری است، به نحو عارفانه تشریح نموده است.

ابن عربی غیر از دو تجلی کلی فیض اقدس و فیض مقدس ذات حق را مجمع البحرین می داند که در آن علم غیب و شهادت قرار دارد طوری که می گوید :

فلولاه فلولانا
لما کان الذی کانا

ابن عربی چنان در خود بی خود، مستغرق ومستهلک گردیده که نمی تواند اسرار خود وراز بزرگی را که در سینه او جای دارد به طور مستقیم به دیگران برساند. واز افشای راز نزد نا اهلان حذر می کند، بنا برین تک تک سخنان اورا اغماض، ابهام وپیحیدگی های عرفانی تشکیل می دهد که سخنان موافق ومخالف در مورد او گفته شده، اما شمار مدافعان او زیاد ومخالفان او اندک است، هیچ یک از عرفایی که بعد از وی زیسته اند، نه توانسته اند بر پایه فهم ومقام علمی او دست یابند، بلکه اکثریت آنها خوشه چین خرمن حکمت او بودند، طوریکه شیخ صدر الدین قونوی نزد این استاد بزرگ تلمذ نموده وبه دنبال آن به شرح عقائد وی پرداخته است.

شخصیت های بزرگی، چون: امام فخر رازی، ابن سعد، شیخ سعد الدین حموی، عبد الرزاق کاشانی، عبدالرحمن جامی، فخرالدین عراقی وسایرین در شرح وتفسیر عقائد او کتابها نوشته اند.

قضاوت در مورد اندیشه های عرفانی ابن عربی یک دست نیست برخی اورا دانشمند جلیل القدر وکم همال دانسته وعده یی نسبت به غموض وابهامی که در آثار وی وجود دارد، بنظر بی مهری به سوی وی نگریسته اند، تا جای که زبان به بدگوئی وی گشوده اند. برخی ها پارهٔ از گفته های وی را که بانص صریح در تناقض قرار دارد تاویل نموده اند.

چیزی مهمی که ابن عربی را از سایر دانشمندان اسلامی شاخص و متبارز میسازد، همان شم فلسفی و عشق او نسبت به تصوف است. از مهم ترین آثار ابن عربی فصوف الحکم و فتوحات مکیه میباشد. او معتقد است که اندیشه های وی نه شخصی است و نه هم تقلید از دیگران. او در فصوص الحکم ادعا میکند که این کتاب از ناحیه پیامبر ص به او داده شده است و او بی کم و کاست آنرا ابلاغ نموده است. در مبشره یی که به من داده شده، پیامبر ص را دیدم که به من میگفت: (این کتاب فصوص الحکم است، آنرا بستان و به میان مردم ببر تا از آن بهرمند شوند). من برایش گفتم: السمع و الطاعه لله و لرسوله و اولی الامر منا. ابن عربی بدون اینکه دعوای نبوت کند، چون پیامبران سخن میگوید و سخنان خود را به عالم غیب حواله میدهد. او به معراج میرود، با انبیاء مشهور ملاقات میکند، از آنها مایه میگیرد و این مایه ها را در فصوص الحکم و فتوحات مکیه در معرض استفاده قرار میدهد. در اینجا مراد از مبشره رویای صادق است. عبدالغنی نابلیسی در بیان مبشره میگوید: حالت مبشره، انسان را از غم و اندوه به شادی و سرور برمیگرداند و این برگرفته از قول پیامبر علیه السلام است که فرموده است: (نبوت به پایان رسیده و مبشرات واقع است). ابن عربی در وجه تسمیه مبشره چنین میگوید: (پیامبر علیه السلام رویا را بشری و مبشره نامیده است، به جهت تاثیری است که در بشره انسان دارد: یعنی چهره و ظاهر انسان تحت تاثیر عوامل باطنی است و آنچه آدمی تخیل میکند، خواه از راه صورتی که میبیند. یا کلمه یی که میشنود، اثر شادی بخش یا اندوه زا دارد و در چهره آدمی و ظاهر او تاثیر میکند و این امر ناگزیر است، زیرا حکم طبیعی است که خدا در طبیعت به ودیعت نهاده و جز این نمیشود). قیصری پیرامون رویای مذکور این روایت را نقل میکند: (پیامبر علیه السلام وقتی خبر از انقطاع وحی میداد، فرمود: پس از آن چیزی از نبوت باقی نماند، مگر مبشرات. پرسیدند: ای پیامبر خدا مبشرات چیست؟ فرمود: رویای صالحه یی که مومن میبیند). به نظر عبدالرحمن جامی این رویای ابن عربی عاری از اغراض نفسانی و خیالات شیطانی میباشد. چنین روایت شده است که اگر کسی پیامبر را در خواب ببیند، واقعاً پیامبر را دیده است و رویای او صادق است. ابن عربی خود در فتوحات برخی از این روایات را می آورد. منجمله از قول انس ابن مالک نقل میکند که پیامبر فرموده است: (من رأنی فقد رأنی)، هر کس مرا در رویا ببیند بی تردید خودمرا دیده است. و نیز بخاری از قول ابوسعید خدری نقل میکند که پیامبر فرموده است: (من رأنی فقد رأی الحق)، هرکه مرا در خواب ببیند، بی تردید حقیقت را دیده است. مؤالدین جندی در شرحی که بر فصوص دارد چنین میگوید: (روایت صحیح از بخاری از پیامبر علیه السلام وارد شده است که فرمود: (من رأنی فقد رأنی فان الشیطان لایتمثل به) هر که مرا در خواب بیند، در حقیقت مرا دیده است زیرا شیطان نمیتواند به صورت من درآید. ابن عربی انسان را به نگین انگشتری و قدوه مخلوقات تشبیه میکند که در بحث بعدی به این مهم خواهیم پرداخت.

استاد مولوی حنیف بلخی دقیقی زمان ما بود

عبدالقیوم ملکزاد

استاد مولوی محمد حنیف بلخی، یکی از چهره های درخشان و نامدار علمی و فرهنگی کشور ما بودکه در دههٔ اخیر ماه مبارک رمضان سال روان(۱۴۳۱) هـ ق چشم از جهان فروبست و هزاران تن از دوستداران و ارادتمندان خود را در بساط سوگ نشاند.

خدمات ارزنده یی که استاد محمد حنیف بلخی در ساحهٔ رشد فرهنگ و تنویر اذهان مردم به خصوص جوانان انجام داده، از هرحیث سزاوار تقدیر وتمجید است.

یاد آن روزهای خوب هجرت بخیر که من به معیت جناب شاد روان استاد حنیف بلخی و استاد محمد یوسف آئینه و شاعر شوریده حال برات محمد سودا به خدمت شاد روان استاد خلیلی می رفتیم و سخن از سخن شناسان وسخنسرایان پارین وطن به میان می آمد. از مرحوم مولوی خسته، از ملک الشعرا بیتاب، از قاری عبدالله. استاد هاشم شایق افندی وده ها چهره یی نامدار شعر وادب کشور.!

خوب بیاد دارم جناب استاد حنیف بلخی اثر گرانسنگ پرطاووس را که – آئینهٔ زندگی وسخنوری بیش از هزار شاعر کشور می باشد- جهت مرور استاد سخن خلیلی فرستاده بود، در باره این اثر نیز سخن رفت و این اقدام ارزشمند استاد حنیف از سوی استاد خلیلی واستاد آئینه فوق العاده مورد تقدیر وتبجیل قرار گرفت.

استاد خلیلی در فرازی از سخنانش در این باب گفت: "کتاب پرطاووس را که به مطالعهٔ این آواره فرستاده بودید خواندم، در هر رشته اش داستانی از دوستان رفتهٔ خود را یافتم. این کتاب ارزنده شایان بوسیدن است، اگر مستدرکات میسر باشد نیکو خواهد شد که شرح اخبار سخنور نابینای فراه ابو نصر را که هم شاعر بود وهم شاعر ساز با فصلی در فضیلت کتاب نصاب الصبیان ولمعهٔ البدرش در آن بگنجانید و هم چنان ذکر شاعر عارف ملا شاه بدخشی مدفون عروس البلاد لاهور را."

استاد خلیلی همچنان افزود:

" امیدوارم زود فرا رسد آن فردایی که دفتر اشعار سخن سرایان دورهٔ منحوس تجاوز شوروی را تدوین کنید. اسمای سخنوران خدا شناس مجاهد را- که در داخل وخارج وطن از حق وآزادی دفاع کرده اند – در دیوان جوانمردان و سر افرازان تاریخ سازان بارقم زرین در قید نگارش آرید ونام سخنوران ملحد وطن فروش را – که گوهر گرامی سخن را در پای بیگانگان نثار کرده اند- در دفتر نامردان وسر افگندگان ثبت کنید."

اکنون همه آن بزرگواران، نخست، خود شهنشاه سخن خلیلی ومتعاقب آن بالترتیب سودا، استاد آئینه و اخیراً استاد حنیف بلخی از این دیار رخت برکشیده اند و یگانه چیزی که از آنان با قی مانده کلام آبدار وارزشناک آنها در نثر وشعر است.

اکنون مرور کوتاهی داریم به گوشه یی از سروده های جهادی استاد حنیف بلخی که بعد از تجاوز ارتش سرخ به افغانستان انشاد گردیده است.

استاد مولوی محمدحنیف بلخی یکی از شخصیت های والا مقام و از سخن سازان پیشتاز و نامدارکشور ما هستند که تا کنون ده ها اثر ازرشمند در حوزهٔ ادب و علوم اسلامی و ... تحریر و به دست نشرسپرده اند. مقام علمی و ادبی استاد حنیف چنان بالاست که با این خامهٔ شکسته نمی توان حق مطلبی را که شایسته و درخور شان علمی، ادبی، و شخصیت اخلاقی آن است، اداءکرد.

سنگرستان- چنانچه از نامش پیداست- یکی از چند مجموعه شعری استاد حنیف است .محتویات آن پیرامون جهاد مقدس، وصف مجاهدین واقعی و سنگر راهیان حق و آزادی و سربلندی، و طن دوستی و مذمت وطن فروشان می چرخد.

طوری که از سخنان استاد حنیف بلخی بر می آید، ایشان با استقرار رژیم بیدینی و دست نشانده درافغانستان سخت غمگین و متأثر است. زیرا تماشای کشورش که پایمال صرصر کمونیزم شده، برایش خیلی ها ناگوار تمام گردیده و این وضعیت را در شعری تحت عنوان "[illegible]" بدینگونه بیان می دارد:

کهکشان زدست تو بازچرخ چنبرشد
کشورعزیز ما پایمال صرصر شد

بی تفاوتی در ارتباط با افغانستان از نظر مولانا نا پسند و قابل اعتراض است .زیرا بیخدایان همزمان با روی صحنه آمدن شان دست به اعمال شنیعی یازیدند که موجبات خشم وتاثر همه را در پی داشت.

مولانا وانمود می کند که با به میان آمدن رژیم کمونستی عدل و صفا و مهرو وفا از دیار او رخت بر بسته و جای او را دیو ظلم و تطاول اشغال کرده:

از آن دیار که عدل و صفا نمود فرار
نشسته ظلم و تطاول بجای مهرو وفا

واز اثر این حالت تاسف بار:

همه بدرد فرورفته از صغیر وکبیر
همه به غم نشسته است از الف تا یا

و درمطلع شعری معنون به: (انقلاب نحس) عامل همه بدبختی و مصائب به میان آمده در وطن را، انقلاب کودتای ثور، و انمود می سازد:

این انقلاب نحس بیاورده درد و غم
جزاین بگو که معنی این انقلاب چیست؟

مولانا استادمحمدحنیف بلخی این دقیقی زمان و به قول دکتور نصری حقشناس: پیشاهنگ شعر وادب جهادی، در برابر این فاجعه و تراژیدی بزرگ واین پرسش مهم واساسی: پس چه باید کرد؟ پاسخ های دلپذیر و روحنوازی دارد. "حصارسبز" یکی از این پاسخ ها می باشد:

با ظهوری سرنوشتی را دگرگون می توان
طالع قومی بلند و سعد و میمون می توان
با غریو نعرهٔ مستانه یی کز دل کشید
رخنه ها اندرحصار سبز گردون می توان

وقتی که زمینه چنین "توانستن" موجود بوده باشد. لازمه زندگی یک مسلمان "مجاهد شدن" است و"ساختن" ص۶



انتخابات ریاست جمهوری پس از یک سال

پوهندوی عبدالعلی کوهی

یک سال از دو ردوم حکومت آقای کرزی می گذرد. این حاکمیت آنچه را برای مردم و جامعهٔ جهانی وعده داده بود: نه تنها عملی نه نموده است: بلکه گره یی دیگر بر مشکلات مردم افزوده شده است. در هفته های اخیر کشتار غیر نظامیان به دروازه های ارگ کشانیده شده و صلح با واژهٔ گم شدهٔ مردم تبدیل گردیده است.

فساد گستردهٔ اداری و نفوذ آن در رده های بالایی حکومت ، مشکل دیگری است که دامنگیر این نظام گردیده و در این یک سال، در درون حاکمیت چیزی به نام مشارکت ملی و حکومتداری خوب وجود نداشته است. در شرایطی از حکومت آقای کرزی یک سال سپری می شود که در بخش های مختلف افغانستان جنگ وجود دارد و دامنهٔ آن به بخش های امن کشور نیز، سرایت کرده است. در این مدت دولتمردان افغانستان به اضافهٔ دولت های غربی و در راس آن ایالات متحده امریکا، بریتانیا و سازمان ملل متحد از صلح با طالبان حرف می زنند که این بحث ها تا اکنون به کدام نتیجه یی نرسیده است. زیرا طالبان خواستار خروج بدون قید و شرط نیرو های بین المللی از کشور بوده و قانون اساسی موجود در کشور را نیز نمی پذیرند. جانب افغانستان در سال گذشته روی این مساله پا فشاری کرد و برخی از کشور های غربی، از جمله: ایالات متحدهٔ امریکا، بریتانیا و شمار دیگری از کشور هایی که در افغانستان نیرو دارند. این کشور را در جهت صلح با طالبان تشویق کرده اند: اما جانب حکومت گاهی به این مساله فکر نکرده، که چگونه می تواند با طالبان صلح نماید، با کدام پشتوانهٔ داخلی و از چی میکانزمی این راه را خواهد پیمود؟ این تلاش ها در جهت صلح از جانب حکومت افغانستان در حالی صورت می گیرد که رئیس جمهور افغانستان و شماری از رهبران سیاسی و جهادی، به شمول تحلیلگران اوضاع افغانستان در منطقه و سیاست گزاران کشور های خارجی که در این مملکت نیرو دارند، بار ها تاکید ورزیده اند که ریشه های ناامنی و بحران در بیرون از مرز های افغانستان قرار دارد؛ حتا دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا اخیراً به پاکستان هشدار داد که از بازی دوگانه در قبال افغانستان دست بردارد. این سخنان نخست وزیر بریتانیا در حالی ابراز می گردد که افشای ده ها هزار اسناد محرمانه در مورد جنگ افغانستان از سوی ویب سایت ویکی لیکس، نشان می دهد که سازمان استخباراتی کشور همسایه به صورت مخفیانه طالبان را در افغانستان حمایت میکند.

این نخستین بار است که یک مقام ارشد بریتانیایی در طول نه سال گذشته، یک چنین موضعی را در قبال پاکستان اتخاذ می نماید. نبود ثبات سیاسی و نا امنی سال گذشته در شرایطی بدتر شده است که. ما شاهد حضور نیروی بیش از چهل کشور جهان در کشورمان می باشم، که به بهانهٔ تامین صلح و ثبات، مبارزه با تروریزم، دهشت افگنی و مواد مخدر وارد کشور ما گردیده و هر کدام طبق طرح و پلان استراتیژیک خویش از جغرافیای سیاسی برای خود استفاده ابزاری می نمایند.

آگاهان به این باور اند که پس از به قدرت رسیدن آقای کرزی در انتخابات پر تشنج ۲۹ اسد سال گذشته، وضعیت سیاسی و امنیتی کشور وخیم تر شده است؛ طوری که حکومت نسبت به سال های گذشته ضعیف و ناتوان تر بوده است؛ تا حدی که این حاکمیت تا همین اکنون نتوانسته است، بدنهٔ حکومت خود را تکمیل سازد، که به وسیلهٔ سر پرست ها تعدادی از وزارت خانه ها اداره می شود. دستاورد مهم دیگر این حاکمیت در این مدت، فقر گسترده، فساد لگام گسیخته و تشنج میان اقوام می باشد که دامنهٔ این تشنج به پایتخت کشور نیز کشیده شده داست. نتیجه و دستاورد این سال، جز تلخکامی یأس و حرمان، گستردگی فساد در زمینه های مختلف، نا امنی سراسری و بحران عمیق عدم اعتماد میان مردم و دولت چیز دیگری بوده نمی تواند، اعتبار ملی و بین المللی نه تنها بهبودی کسب نکرد؛ بلکه از اعتبار گذشتهٔ افغانستان نیز کاسته شد.

ظرف این یک سال، با وجود فشار های بین المللی، دولت نتوانست که رده های بلند دولت را که به فساد شهره گردید اند به داد گاه بکشاند؛ حتا این حکومت قادر نگردیده، تا محاکم ویژه را غرض محاکمهٔ مامورین عالی رتبه در کشور ایجاد کند، همه چیز در یک جو سازی سیاسی به وجود می آید و آرام آرام به فراموشی سپرده می شود.

در برابر این همه فشار های بین المللی، دولت در برهه های این فرصت دست به ایجاد کمیسیون های باز دارنده از فساد و بی مبالاتی؛ چون: ادارهٔ مبارزه با فساد و غیره زده است که هدف آن کاستن از فشار جامعهٔ جهانی، رسانه های داخلی و افکار عامه می باشد؛ زیرا از این کمیسیون ها آنچه مفید و ارزش مند بوده باشد، به دست نیامده است.

مردم افغانستان فقط اشتباه حاکمیت و کارگزاران این سیاست را با خود حمل می کنند و تاوان سنگین می پردازند. بسیاری از آگاهان به این باورند که، دلیل وخیم تر شدن اوضاع، نبود یک کفایت سالم و مدیریت کاراً در کشور می باشد: طوریکه گفته می شود دولت کدام برنامهٔ روشن، مشخص و شفاف برای از میان برداشتن بحران در کشور روی دست ندارد. ظرف یک سال گذشته دولت یک سلسله کار های کم ثمری را انجام داده است که به قیمت هزینه های سنگینی که در قبال آن، پرداخته شده است، سودمندی نداشته است.

جرگه سراسری صلح که در آن ۱۶۰۰ نفر از ولایات کشور حضور یافتند تا کنون از آن دستآورد ملموس به دست نیامده و مخالفان در برابر تصامیم این جرگه نه تنها چراغ سبز نشان ندادند؛ بلکه به گفتهٔ آگاهان اعلان یک جانبه صلح با مخالفان از جانب دولت، موضع مخالفان را برتر نشان داده و آنها را یک طرف قابل منازعه برای نخستین بار در کشور به رسمیت شناخت و از تبعات این جرگه تحمیل ارادهٔ مخالفان بالای دولت، در زمینه صلح است که آن خروج بلاقید و شرط نیرو های خارجی از افغانستان می باشد؛ به همین گونه کنفرانس کابل که در آن به شمول سر منشی سازمان ملل متحد بیش از ۶۰ کشور امداد رسان شرکت ورزیده بودند، از خواسته های بلادرنگ این نشست مبارزه جدی دولت با فساد اداری، ایجاد حکومتداری خوب و شفافیت در مصرف پول های کمک شده می باشد. باید گفت که فساد گسترده در افغانستان که دارای ابعاد متعدد می باشد هم اکنون مبارزه با آن از توان این حکومت به دور می باشد؛ زیرا تعدادی از این فساد پیشه گان یا خارجی ها هستند و یا با خارجی ها در پیوند می باشند. در وجود این حاکمیت ضعیف از بین بردن این همه فساد گسترده بعید به نظر میرسد. طی یک سال گذشته دولت در صدد بر داشتن تمامی موانع سد راه مذاکره و مفاهمه با طالبان بوده است؛ در حالی که این خواست دولت با خواست سازمان عفو بین الملل کاملاً در تضاد می باشد؛ زیرا در چوکات مصالحه و ادغام دولت، چیزی به نام پذیرش جرم و جنایت وجود ندارد. آنچه در مورد یک سال پس از انتخابات باید گفت این ها خواهد بود:

آقای کرزی در این مدت نتوانسته است، اساس یک حکومت داری خوب را بگذارد : حتا در این مدت نه توانسته است کابینه اش را تکمیل کند و تنش ها میان حکومت و جامعهٔ جهانی بیشتر گردیده است. عدم اعتماد کشور های خارجی بر حکومت افغانستان در زمینه های بر خورد حکومت با کمک های جامعهٔ جهانی و گسترش روز افزون فساد در این کشور، بر تضعیف حکومت منجر شده است: آنچه از همه مهمتر قابل ذکر است، شکست دیموکراسی و نهاد های قانونی در کشور است که به طور چشمگیری کمرنگ شده است. به یقین بحران و تشنج در انتخابات ریاست جمهوری دور اخیر، تاثیر ناگوار خود را بالای انتخابات دور دوم پارلمانی خواهد گذاشت. طی یک سال گذشته مخالفان دولت به یک نیروی جدید و سازمان یافته تبدیل گردیدند که در سال قبل این نیرو در وجود آنها نهفته بود. ظرف یک سال دولت نه تنها قادر به جلب مخالفان در بدنهٔ حاکمیت نگردید: بلکه متحدان خود را که در تشنج آفرینی انتخابات ریاست جمهوری، به نفع آقای کرزی دست داشته اند، نیز از دست داده است. ظرف یک سال گذشته دولت در جهت اشتغال زایی و فرصت های کاری برای متقاضیان طرح و برنامهٔ مشخص نداشته است. دولت فقط در ظرف یک سال خواسته است، با تدویر جرگهٔ مشورتی صلح و کنفرانس کابل بر این همه دشواری ها پایان داده و بر چنین برگزاری ها و همایش ها به مردم و جهان نشان دهد که این حکومت در جهت بهبود تلاش می کند؛ در حالی که دولت از این حرکات خود تا کنون دستاورد ملموسی نداشته که آن را به مردم و جامعهٔ جهانی نشان دهد.

پروژهٔ انتقال گاز از ترکمنستان...

گاز حوزهٔ دولت آباد سالانه ۴۵ میلیارد متر مکعب است. بانک انکشاف آسیایی این پروژه را از لحاظ امنیتی مناسب ارزیابی نمود. در سایت وزرات معادن افغانستان آمده است که کشور هند سالانه ۲۵ میلیارد متر مکعب گاز و پاکستان ۰،۹۲ تریلیون متر مکعب گاز نیاز دارد.

پایپ لاین متذکره به طول مجموعی ۱۶۹۰ کیلومتر از دولت آباد ترکمنستان الی بندر گوادر پاکستان تمدید خواهد شد که ۷۳۵ کیلومتر آن از داخل خاک افغانستان عبور می نماید. قطر این پایپ لاین ۵۶ انچ و دارای شش استیشن کمپریسوری و فشار اعظمی داخل پایپ لاین ۷۵ اتموسفیر خواهد بود که این پایپ لاین با خصوصیات فوق ظرفیت اعظمی انتقال ۳۳ میلیارد متر مکعب را خواهد داشت. هرچند به نظر می رسد که توافقاتی صورت گرفته و قرار است کار عملی نیز آغاز گردد اما هنوز هم موضوع امنیت چالش بزرگ فراراه این طرح است. تامین امنیت در امتداد ۷۳۵ کیلومتر به نیروی امنیتی زیادی ضرورت دارد.

حکومت افغانستان امیدوار است که در این طرح عظیم چندین میلیارد دالری، دو کشور هند و پاکستان را که با هم خصومت دارند شامل ساخته است. خصومت میان این دو کشور از عوامل مهم بی ثباتی و جنگ در افغانستان تلقی می شود.

آیا منافع اقتصادی مشترک که به وسیلهٔ این لولهٔ گاز به میان می آید، خواهد توانست به مشکل میان هند و پاکستان پایان دهد؟ آیا منافع پاکستان در این طرح موجب خواهد شد تا این کشور به تغییر استراتژی خویش در افغانستان بپردازد؟

اگر این آرزوها تحقق یابد. بدون تردید این طرح سرآغاز راهی خواهد بود که افغانستان را مبدل به مسیر ارتباط میان آسیای میانه و آسیای جنوبی خواهد ساخت.

استاد مولوی حنیف بلخی...

و "خواستن سنگر"ی چون سنگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم، پیام دلپذیرش را با گوش جان می نیوشیم:

خیز مجاهدا بیا سنگر مصطفی طلب
ساز شکوه فتح را از درکبریا طلب

مولانا در آغازین روزهای راه اندازی آزمون بزرگ، مسلمانان جهاد گر را به ایجاد سنگری فرا می طلبد که خدا خواهانه باشد تا سنگر مذکور، آیینه دار جلوه فتح وظفر گردد که بخشندهٔ آن نیز خداست.

هرگاه جهاد به منظور خدا به راه افتاد. خدا راه های فتح وپیروزی را در برابر راهیان آن هموار می سازد. مولانا به ادامه پیغام خود که قبل از یورش به صف دشمن، ساختن سنگر را ضروری وانمود می کند، امر مارش می دهد:

ضیغم بیشهٔ وطن خیز زجا و نعره زن
قلب صف عدوشکن گوهر مدعا طلب
همرهٔ خنجر وسنان همچو یلان سیستان
بر سر راه خصم شو، تاج سرو لوا طلب
یکه سوار یهنه شو، رزم شعار صحنه شو
از کف زور حق خود روشن و برملا طلب
بال کشا به کهکشان گرد به مهرو مه فشان
نسرعدو شکار کن. شاهپر هما طلب
شورفگن به ملک دل همهمه یی بیافرین
آتش سینه تیز کن از در او نوا طلب
نعره خالدی کنون در صف رزم لازم است
دشت به دست تیغ [illegible] با روی مرتضی طلب
دامن فتن را [illegible] ز کف آبروی خود
دبدبهٔ شهنشی از سربوریا طلب
بند سکوت را شکن در شکن یمی بزن
گرمی و شورو بیخودی از دل موجها طلب
تا که به جلوه بنگری بیرق دین خود" حنیف"
از همه چیز بگذر و هلهلهٔ غزا طلب

هرگاه عمیق متوجه شویم فرد، فرد شعری که تقدیم شد محرک و انگیزنده است که احساس عجیبی به روح شنونده ایجاد می کند و از کلمه کلمهٔ آن حماسه بر می تراود.

طوری که ملاحظه کردیم برخی از سروده های استاد حنیف بلخی موسیقی خاصی در خود نهفته دارد و سامع را به دنبال هر بیت، شور و وجدی دیگر می آفریند، تو گویی شعر مذکور افزون بر داشتن نیروی افاده و مفهوم و سیع، نغاره دلنواز میدان جنگ است که رزم آوران را بی اختیار به طرف جنگ می کشاند. بناءً می توان گفت که وجود این ویژگی ها خود گویای استادی مولینا به حساب می آید که برای فراخوان قیام، یا نفیر عام، استفاده از وزنی آنچنانی را نسبت به سایر اوزان عروضی ترجیح داده است.

"مردسنگر" نیز حاوی پیغام بیداری است، در این شعر اگر به دقت مرور شود تصویر عجیبی مشاهده می شود. استفاده از واژه هایی چون: کهسار، رود و دریای خشماگین و سربکف، سیل، نعره، خرام، پنجه، سحاب رحمت، هژبر، با گریه و آه آتشبار و ... هریک با تناسب خاص و زیبایی چشمگیری وارد شعر استاد شده اند. و حسن ترکیب دیگر این که :شیرمردان جنگجو معمولا از فراز کهسار- که سنگرستان ایشان است- سر می کشند برای این که هژبر آسا به سوی دشمن حمله ببرند، و با صفی مرصوص چون رود، رژه می روند، ایثار و از خود گذری و به کف گرفتن سرخاصهٔ رود خروشان است که نعره زنان و خشماگین به سوی هدفی مقدس خرام می کارد.

این حرکت نمودی از رحمت پروردگار است که با شعار تکبیر، لرزه به جان دشمن بزدل می افگند واما، رودها و دریا ها هم بیشتر از باران تشکیل می شود که آبستن رحمت اند که گاه از طغیان آن سیلی پدید می آید هیبت ناک برای کندن بنیاد ظلم و جنایت و باطل و آتشی می شوند بر جان ظالم و عدوی حق ناشناس که با رحم و انسانیت ذره یی سر سازش ندارند.

مزیت این سخن را بیشتر در آن خواهیم دید که غزلوارهٔ "مردسنگر" را یکجا زمزمه کنیم:

رادمردای مردسنگر عاقل وبیدار خیز
همچو شیر شرزه یی از دامن کهسار خیز
[illegible]
زود شو با تیره و با خنجر و تلوار خیز
از برای آبروی خاک خون آلود خود
خشمگین و سربکف با نیت ایثار خیز
بهر نابودی ساز و برگ استعمار سرخ
همچو سیل دلشکن مستانه وسرشار خیز
گرچه بشکستی تو سنگرهای دشمن پی به پی
بس مکن، با نعره های حیدر کرار خیز
تا نماید خشک خیزی ها ختن زار وطن
در خرام آی و مثال آهوی تاتار خیز
بهر احیای کهن تاریخ مرز وبوم خود
ماهرو فرزانه و با منطق و هشیارخیز
نرم کن با استواری پنجه با جبر زمان
بهر محو نقشه این تودهٔ غدار خیز
تا بیاری خرمی اندربساط ملک خود
چون سحاب رحمت وچون ابر دریا بار خیز
تا برانی دشمن مغرور را ازبیشه ات
چون هژبر خشم آگین و غرور آثار خیز
گربخواهی آتش افروزی به بنیاد عدو
یک سحر با گریه و با آه آتشبار خیز
از حنیف این حرف بشنو ای وطندار عزیز!
خاطر تیمار درد ملت بیمار خیز

استاد مولینا "حنیف بلخی" به همان پیمانه یی که فتنهٔ پدید آمده از سوی دشمنان اسلام و عدوان بشریت را، نهایت خطرناک و بزرگ تلقی می کند، پیغامش را پیهم به گوش ها می چکاند و فریادش را از هر سکویی بلند می سازد، تا هیچ مسلمانی از دسیسه و فتنه عظیم و کشتار و بربریت ووحشت دشمنان، خودرا برکنار احساس نکند و فریب نیرنگ کمونست ها را نخورد. نفیر عاشق این بار به اسلوب مثنوی است که باهم می نیوشیم:

ای جوان ای مرد سنگر آفرین
حامی آزادی این گلزمین
با لوای سبز کرمنا بخیز
همچو شیربیشه خضرا بخیز
نازکن برهمت والای خود
برقیام و قامت بالای خود
غیربازوی خودت نبود دگر
فرق دشمن بشکناند با تبر
تیر تو دارد غروراز شصت تو
تیغ تو نازد به زور دست تو
کامیابی از دم خنجر بجو
مدعا را از خم سنگر بجو
همچو کوهی می نماید گرز تو
تیغ توچون تیغهٔ البرز تو
از فلک بازور بازو کام گیر
مهر وماهش در شکنج دام گیر
سرنوشت خود به دست خویش گیر
نقش پای عقل دوراندیش گیر
این زمان کافر کشی مخصوص توست
رازها اندر صف مرصوص تست

دراین شعر - که قسمتی از آن پیشکش شد- رسالت سترگ جوان مسلمان به گونه دلپذیری بازتاب یافته. شاعر طرف خطاب خود را، درس شهامت می دهد، ا راتکا به بیگانه بازش می دارد و اطمینانش می دهد زور و قوتی که به مدد خدا در بازوی وی نهفته است، سرنوشت ساز است و تاکیدش می ورزد تا او بر همت خود بنازد و برقامت رسایش و برقیام شور آفرینش افتخار ورزد. درضمن با اطمینان و توصیف وتبجیل از او می خواهد تا زمام سرنوشت خود و مردم و کشورش را از دیگران بستاند که لازمه آن جهاد است و به قول او، کافرکشی و تشکیل صف فشرده در برابر دشمن که تازه به روی صحنه آمده!

چنانچه در پاره یی از شعر دیگر استاد می خوانیم:

شو بپا با نیزه و شمشیر و گرز
بال بکشا چون عقاب البرز
ازشکنج موج خون و موج دود
ده نجات این ملک آبائیت زود
مشعل قرآن و دین را بر فروز
آنچه باشد غیر از این آن را بسوز

ویا:

ای وطنداران نگاهی جانب کشور کنید
رحم بر حال تأسف بار این مضطر کنید
گر همی خواهید بخشد بر شما شیرسفید
چارهٔ روزسیاه این کهن مادرکنید
یک قیام آتشینی ازچمن تا کاشغر
وز دل اکسوس تا آنسوی اسپین غر کنید

بانگ رسای مولینا در کوه وصحرا و شهر و ده کشور همچنان طنین انداز است:

ای جوان! از جا بپا شوفرصت اهمال نیست
ببرصف دشمن بزن حاجت به قیل و قال نیست

در مجموعه های سنگرستان، نیزار وغریو و ... سروده هایی از این دست فراوانند که ان شاء الله در فرصت های مناسب مفصل تر به آن ها خواهیم پرداخت.

انتخابات و نگرانی...

با پاک شدن رنگ از انگشت بوده و علاوه بر آن شکایت هایی در مورد تهدید و تخویف، سوء استفاده از کارت های رای دهی، رای دادن افراد غیر واجد شرایط، کمبود برگه های رأی در بعضی از محل ها بوده است".

بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه (فیفا) که توسط ناظرین شان انتخابات را زیر نظر دارند، نیز از روی تخلفات و تقلب ها پرده برداشته و آن را مایهٔ نگرانی دانسته است. رئیس این بنیاد گفته است یگانه امیدواری این است که به این همه تخلفات و تقلبات توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی که صلاحیت قانونی در این زمینه دارند، رسیدگی صورت گیرد. بنا به گفتهٔ فیفا، ناظرین آن ها در روز انتخابات در سراسر افغانستان بیش از ۲۰۰۰ مورد تخطی و تقلب را ثبت کرده اند.

این بنیاد، استفاده از زور، خشونت با رای دهندگان، رای دهی افراد زیر سن ۱۸، رای دادن مردان به نمایندگی از زنان، رای دادن مکرر یک فرد و پر کردن غیرقانونی صندوق ها به نفع نامزدهای مشخص، از تهدید زورمندان علیه رای دهندگان و استفاده از کارت های جعلی را به عنوان عمده ترین موارد این تخطی ها یاد کرده است.

این انتخابات با وجود سروصداهای که دارد، مورد تأیید استقبال جامعهٔ جهانی به خصوص بانکی مون سرمنشی سازمان ملل متحد قرار گرفته و این موفقیت را به مردم افغانستان و کمیسیون مستقل انتخابات تبریک گفته است. مقام های کشورهای غربی، سرمنشی ناتو و سفارت امریکا در کابل نیز مشارکت شهروندان افغانستان را در پروسهٔ انتخابات ستوده اند.

سفارت جمهوری اسلامی ایران درکابل نیز طی پیامی، حضور شکوهمند مردم در دومین دور انتخاباتی مجلس نمایندگان را به دولت و مردم افغانستان تبریک گفته و این حرکت را گامی برای تحکیم مشارکت و تلاش مردم در تعیین سرنوشت شان خوانده است. در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری سال گذشته، رئیس جمهور ایران اولین کشوری بود که در اعلان لست ابتدایی نامزدان ریاست جمهوری، به حامد کرزی تبریک گفته بود.

سخنگوی رئیس جمهور طی نشست مطبوعاتی دوشنبه هفتهٔ گذشته، در حالی که مشارکت مردم در برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان را ستود که با وجود تهدیدات دشمن به پای صندوق های رأی رفتند و مردم سالاری را تمثیل کردند. اما در مورد تقلب و قضاوت کیفیت انتخابات، پای احتیاط در میان گذاشته، ابراز نظر در این مورد را قبل از وقت خواند. همچنان روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته رئیس جمهور در مورد چگونگی برگزاری انتخابات در حالی که معاونین ریاست جمهوری، رئیس و اعضای کمیسیون مستقل انتخابات و رئیس و اعضای کمیسیون شکایات انتخاباتی به شمول اعضای خارجی آن و معاون نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد نیز اشتراک داشتند، مسائل مختلف مربوط به برگزاری انتخابات پارلمانی به بحث و بررسی گرفتند.

آقای کرزی در حالی که نقش برگزاری انتخابات، اشتراک مردم و تدابیر امنیتی را در برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان تقدیر کرد. تاکید کرد که کار اصلی اکنون مربوط کمیسیون های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی است تا وظایف شان را بدون هیچ گونه فشار داخلی و خارجی انجام داده و تلاش نمایند تا با رای مردم افغانستان به امانت و سلامت کامل برخورد گردد.

تا هنوز که لست ابتدایی برنده های انتخابات مجلس نمایندگان آشکارا نشده است گروه های سیاسی و احزاب هرکدام ادعای این را دارند که گویا در مجلس نمایندگان اکثریت را از آن خود کرده اند. داکتر عبدالله عبدالله رئیس اپوزیسیون ادعا دارد که گویا بیش از صد تن نماینده در مجلس نمایندگان خواهد داشت. هم چنان داکتر عبدالله عبدالله در یک کنفرانس مطبوعاتی چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته از بروز تقلب های گسترده در انتخابات مجلس نمایندگان ابراز نگرانی کرده و گفته است: «پیام من به مسوولین کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی این است که عاقبت یک دست کاری بزرگ در انتخابات پارلمانی افغانستان بسیار ناگوار خواهد بود برای مردم افغانستان و هیچ کس نباید مسوولیت یک تقلب سرتاسری دیگر را به عهده بگیرد. هنوز هم فرصت وجود دارد تا اعتماد از دست رفته تا یک انداز اعاده شود.»

جالب اینجاست که اکثر نامزد کاندیدا که از افراد برجستهٔ احزاب هستند، خود را به حیث نامزد مستقل کاندیدا کرده بودند و نقش احزاب سیاسی و معرفی شدن هرچه بیشتر شان که جایگاهش در انتخابات برجسته می شود، کمرنگ و یا کاملاً بی رنگ بوده است.

تعدد کاندیدا در کشوری چون افغانستان که در فقر بسر می برند، مشکل دیگری است که به آن توجه نشده، و مردم را به دسته بندی های قومی و محیطی تقسیم کرده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر گزارش داده است که، از شروع مبارزات انتخاباتی تا حال، متاسفانه ۳ نفر از کاندیدان به قتل رسیده‌اند و ۳۶ تن که یکی‌شان از نامزدان انتخابات و ۲۸ تن از کارمندان کمیسیون انتخابات و هفت نفر دیگر از اعضای ستاد انتخاباتی نامزدان هستند. اختطاف شده‌اند. در طول این مدت ۴۶ تن زخمی شده و ۲۹ تن دیگر هم ـ افرادی که به شکلی به انتخابات ارتباط داشته و یا از اقارب یا اعضای ستاد انتخاباتی کاندیدان بوده‌اند ـ کشته شده‌اند.

اخوت اسلامی

پوهنمل محمد نسیم فقیری

هرانسان روی زمین در فکر و چاره های بس بزرگ برای دنیای خویش است. ما مسلمانان نیز برای یک زندگی بهتر و آبرومند تر در فکر زندگی و در کنار سایر هم دینان با داشتن روابط اجتماعی سالم تر هستیم. ما مسلمانان نه تنها دنیا را از خطر جنگ بر حذر می داریم، بلکه باید کوشش شود که حوادث و جریانات سال های گذشتۀ خویش را نیز به درستی و طبق خواست و ارادۀ مشترک ما در هماهنگی با هم و بدون مشارکت واختلاف جدی، پیگیری نماییم.

ما در تفکر اسلامی نیز طرفدار فرقه های مختلف هستیم و تنها دو فرقۀ بزرگ در میان امت اسلام (تسنن وتشیع) قرار دارند و باید میان این دو نیز راه وروشی در پیش گرفته شود که بعدها مسایل کوچک نا باوری را بزرگ نسازد و میان مسلمان ها از درک فهم و برداشت گذشته ها، چندان اختلاف و دشمنی پیش نیاید!

ما همه در فکر و اصل نظر، مطابق فکر اسلامی و طرز تفکر دینی هستیم و به خدای واحد و عقیده به معاد و پیامبر راستین آخر زمان و کتاب واحد، یعنی قرآنکریم باورمند هستیم و تمام بشر را به سوی آن فرا می خوانیم. بیایید تا این فکر را اصل انسانی قرار داده در میان مسایل اختلافی، زیاد به فکر و ازدیاد نظر بپردازیم و تمام همفکران وهم باوران خویش را به این فکر اصیل، بپرورانیم که ماهم اولاد آدم و پیرو حضرت محمد صلی ا... هستیم و دنیا را به این فکر اصیل، رهنمایی می کنیم.

ما باید این فکر اصیل را بزرگ و بزرگ جلوه داده و در فکر پارۀ از مسایل جزیی که علما و دانشمندان ما آن را بزرگ ساخته اند، نپردازیم و ان شاء الله، یک روزی به راه درست واصلی که همانا راه اسلام و قرآن است، پی می بریم.

بیایید همه با هم به فکر دشمنان اسلام و پیوند های خطر ناک آنان باشیم تا نگذارند که میان ملت های مسلمان ما به نام این گونه بدبینی ها تخم نفاق وکینه را تشویق نمایند و ما هم به دنبال این گونه تمایل ها، در فکر بدبینی و ازهم پاشیدگی باشیم! ما باید در فکر مسایل اصلی و اساسی باشیم و ملت های خود را از میان ملل دنیا به رسم وآئین نیکو تربیت کنیم و دنیا از عمل و راه درست ما، پیروی این مکتب انسان ساز پیروی نماید.

ما باید تمام مسلمانان وهم دینان خود را از مزایا واحکام الهی این دین با خبر سازیم و نگذاریم که دشمنان ما، تمام توطئه ها و دسایس خطیر علیه دین ما به کار گیرند و مشکلات عمدۀ امروزی ما را بزرگ جلوه دهند.

ما باید از همه علماء و روشنفکران خود، بخواهیم که تمام مسایل اختلافی را دنبال نکنند و در مورد اصول باهم وعظ وتبلیغ نمایند تا همه مسلمانان از مسایل و منابع اصلی دین آگاهی حاصل نمایند و جلو آداب وتشریفات ظاهری را بگیرند.

علما و روشنفکران باید مسایل داخلی و نفاق بر انگیز را بگیرند و باعث تشویش و اخلال در امنیت کشور نگردند و تمام راه های بستۀ اختلاف را نگشایند و به مردم اجازه دهند که روی مسایل واصول دینی باهم فکر کنند ودر پی اختلاف نیفتند.

ما مسلمانان دنیا بیش از هر فکر و دین دیگر در مورد اصول دین خویش باهم یک فکر ویک نظر هستیم، اصول و طرز فکر های دیگر ادیان دنیا، بسیار باهم تفاوت دارد و از نظر مسایل اختلافی بسیار باهم فکر و نظر مختلف دارند و بسیار مشکل خواهد بود که همه روی یک سلسله اصول کلی و عملی باهم فکر و نظر درست و اصولی داشته باشند و تفاوت دیدگاه ها نظریات شان بسیار زیاد از همه پیروان در مذهب اصلی ما است.

پس برای حل مشکلات بزرگ دنیای خویش و از جمله مسایل اختلافی می توانیم بسیار باهم بحث وگفتگو نماییم و مشکلات خود را بسیار کم وکمتر سازیم و راه اصلی را با حفظ ارزش های کوچک خود، بسیار کم وکمتر جلوه دهیم.

ان شاء الله نزد خدای بزرگ و بخشاینده، گناهان همۀ ما، بخشیده خواهد شد.

ترخو چې د تذکرو په بنیاد ټاکنې...

ازموینه او انټرویو واخستي نو د بریالي شوو پرځای چې کله د دغو ډي ایف سی کسانو د کاندیدانو سره معاملې وشوې نو بیا د هماغه په ازموینه کې بریالي شوو کسانو پرځای دوې له ازموینې پرته نور خلک ور دننه کړل چې په ډیرو ولسوالیوکې لکه، رودات، سرخرود، کامه، دري نور او ... کې پرې خلکو پراخې نیوکې هم وکړې او بیا په ځینو ولسوالیوکې د سازش لیار ونیولی شوه.

د ټاکنو له ورځې څخه د مخه په ښار کې د ټاکنو د کارتونو اصلي سپینې پاڼې په بازار کې پیدا شوې او وریسې د جعلي کارتونو هم په بازار کې خرڅ لاو شروع شو، تردې چې یو شمیر کاندیدانو لاپه هماغه مهال د مطبوعاتي کنفرانسونو له لیاري له دغه کارڅخه د اسنادو په ښودلو سره رسنیو غوږونو ته ور ورسوله، تردې چې ادعا وشوه چې له کاندیدانو سره د یو شمیر مامورینو د تړاو خبرونه هم خپاره شول د هغې اغیز بیا دا ووچې په ډیرو رایو ځایونو (مکتبونو او کلینکونو) کې د پراخه حویلیو او میدانونو سره سره هم ټاکنې د درغلۍ په نیت د همدې ډي ایف سی مامورینو لخوا په کوټوکې تنظیم شوې څو په کوټو کې د کاندیدانو له نمایندګانو څخه د دوو تنو نظارت ته د بریښندلو په نامه د ځانګړو کاندیدانو لپاره درغلۍ وشي ځکه په یوه کوټه کې د هیڅ کاندید استازی د بل کاندید د استازي په شتون کې چې په خپله پکې نه اوسي اطمینان نشي لرلی او ډیربنه د جوړښت او درغلۍ زمینه برابروي چې دا کار د خیوی، کامی، دره نور او په ځینو نورو ولسوالیوکې د درغلۍ لپاره ښه زمینه برابره کړه.

همدارنګه حکومت وعده کړیوه وه چې د پروسې د نظارت لپاره به پولیس او ملی اردو او د امنیت کسان هم په مرکزونونو کې ګماري څو امنیت ونیسی او څارنه وکړي چې د دغه په صحیح توګه نه ترسره کولو لامله ځینو کاندیدانو منظم ډک موټرونه له یوه مرکز څخه بل ته انتقالول او څو ځلې یې رایې استعمال کړې، لکه د جلال آباد په ښار کې، او هم خوګیانیو، کامې، خیوې او دره نور په ولسوالیوکې داسې وشوه او په ځینو ولسوالیو کې او د ښار په ځینو مرکزونو کې څو یوازې د یو کاندید استازي پرېښودل کیدل او د نورو نه، لکه چې پدې هکله د ننګرهار د کاندیدانو د خپلواک فدراسیون ادعا ګانې له ثبوتونو سره له رسنیو څخه خپرې شوې چې ریکارډ شوې ویډیو وښودلی شوه.

په مجموع کې په ننګرهار کې که سروی وکړای شي نو ټول پوه ولس به ووایې چې لس فیصده خلکو رایې استعمال کړیدي او رسنۍ وایې چې نږدې څلویښت فیصده خلکو رایې استعمال کړیدي، له دې معلومیږي چې دغه دیرش فیصده پاتې د درغلیو کوونکو کاندیدانو په دوهم، دریم او څو خلو رایو اچولو سره لوړه شوې ده نوځکه اړینه ده چې باید دغه ټاکنې له سره وشي او له ټولو عجیبه خو دا ده چې د فیفا د مامورینو قراداد هم لکه د تیر کال په څیر د یو داسې چا سره شوی وو چې هغه په خپله هم کاندید وو نو اوس دا ووایې آیا په پیشو غوښه ساتلی کیږي؟ له همدې امله د فیفا مامورینو هم خپل ماموریت د یوې مافیایې ډلې اوهم د انتخاباتو د خپلواک کمیسیون مامورینو د یوې مافیایي ډلې کاندیدانو لپاره ترسره کړې چې دغه ټاکنې په هیڅ صورت شفافې نه ثابتیږي او په تمامه معنا له درغلیو څخه ډکې دی باید چې ترسره شي.

موج تقلب و تخطی...

از سوی دیگر داکترعبدالله عبدالله رهبر اپوزیسیون سیاسی دولت، روز گذشته طی کنفرانس خبری در کابل گفت که همانند انتخابات ریاست جمهوری سال پار، تقلبها و تخطی‌های وسیعی در انتخابات مجلس نمایندگان صورت گرفته است و باید به طور جدی به تمام شکایت ها رسیدگی صورت بگیرد.

ادعای آقای عبدالله در حالی صورت می گیرد که پیش از این گفته بود، ائتلاف تحت رهبری او، بیشترین کرسی‌های مجلس نمایندگان را به دست آورده است. شماری از نامزدان انتخابات مجلس نمایندگان می گویند: بررسی هایی که صورت می گیرد، باید بی طرفانه و به اساس طرزالعمل صورت بگیرد.

این نامزدان ضمن نگرانی از شفافیت انتخابات علاوه می کنند، بیمی وجود داردکه در نتیجه نفوذ دولت و برخی از افراد، کسانی به شوری راه خواهند یافت که در حقیقت رأی کافی از سوی مردم بدست نیاورده اند.

میر احمد جوینده نامزد انتخابات ونمایندۀ مردم در مجلس، نقش کمرنگ ناظران ملی وبین المللی را بسیار ضعیف توصیف نمود. به باور وی عدم حضور این ناظران زمینه های تقلب وجعل کاری را از سوی ناظران نامزدان در این انتخابات میسر ساخته است.

جوینده افزود، در اکثریت سایت های رأی دهی بیش از ده ها ناظر نامزدان حضور داشت که این ها خود مانعی بر سر راه کسانی شدند که به دلیل اقتصادی نتوانستند به تمام مراکز رأی دهی ناظر معرفی کنند.

وقتی از جوینده پرسیده شدکه نقش کارمندان انتخابات در روز رأی دهی چگونه بود؟ افزود: این افراد از پختگی وتعهد جدی بر خور دار نبودند در یک هماهنگی بیشتر به نفع کسانی وزنه ایجاد کردند که ناظران آنها در سایت ها بیشتر حضور داشت.

اما جان داد سپین غر رئیس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان(فیفا) علت حضور نداشتن ناظران ملی و بین المللی را در روستا ها که به گفتۀ نامزدان بیشتر موارد تقلب رخ داده است نا امنی ها وتهدیداتی می داند که هم از سوی طالبان وهم از سوی زور مندان در ولایات صورت گرفته است.

آخرین بررسی تخطی های انتخاباتی را قانون انتخابات، به عهدۀ کمیسیون شکایات انتخاباتی گذاشته است. اما شماری از نامزد وکیلان دور دوم شورای ملی تردید دارند و می گویند که اعضای کمیسیون شکایات انتخاباتی از طرف حکومت معرفی شده‌اند و نمی توانند بی طرفی خود را حفظ نمایند.

بشیر بیژن کاندیدای ولسی جرگه ولایت کابل کمیسیون انتخابات متهم می نماید که پیش از برگزاری انتخابات با وارد نمودن رنگ های جعلی که توسط آب در کمترین مدت پاک می شد زمینۀ گسترده از جعل وتقلب را مهیا نموده بود.

بیژن می گوید، هر نظامی که خودش به اساس تقلب به وجود آمده باشد، هیچ گونه باور مندی وجود نداردکه زیر مجموعه های آن در یک پروسۀ ملی خیانت را مرتکب نشوند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

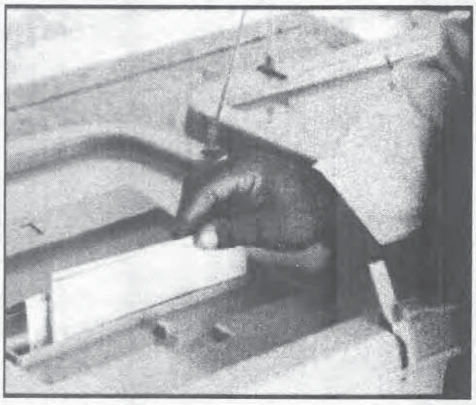
جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و دوم ۳ میزان ۱۳۸۹ ۱۶ شوال المکرم ۱۴۳۱ – 25 september 2010

موج تقلب و تخطی در انتخابات مجلس نمایندگان

گزارش از عنایت



مقامات دولتی و مسوولان کمیسیون انتخابات، در دقایق پایان آن روز علی الرغم همهٔ دشواری ها، برگزاری انتخابات را مؤفقانه توصیف نمودند. با توجه به تجربهٔ نا خویشایند تقلب وجعل کاری در انتخابات ریاست جمهوری ۲۷ اسد سال ۱۳۸۸ انتظار می رفت که در این دوره جلو این همه نا بسامانی ها گرفته شود.

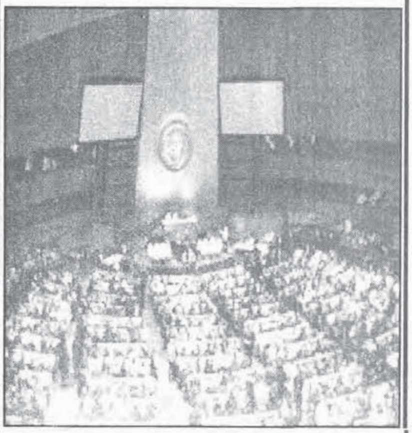
اما آنچه که یک بار دیگر مردم افغانستان را مایوس ساخت این که این انتخابات مانند گذشته ها عاری از تقلب وجعل کاری ها نبود.

گزارش های منتشر شده حاکی از آن بود که بیش از صد ها شکایت در رابطه به جعل و تقلب در روز رأی دهی و پس از آن با دست برد در صندوق های رأی صورت گرفته است.کمیسیون شکایات انتخاباتی می گویند که تاهنوز ۲۵۰۰ شکایت انتخاباتی در این کمیسیون به ثبت رسیده است که بررسی تمامی این شکایات ها نیاز به زمان دارد.

احمد ضیا رفعت سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی گفته است: در صورتی که بررسی این شکایات نشان بدهد که افرادی در تقلب ها دست داشته باشند، این افراد جهت تحقیق به سارنوالی معرفی خواهند شد. ص۷

در حالی که صد ها خطر امنیتی مردم افغانستان را تهدید می کرد آنگونه که گفته شد، چندین نفر در ولایات جنوب به جرم رأی دادن انگشتان شان قطع گردید و تنها در روز انتخابات و در روز های بعدی شمار زیادی از هموطنان ما که شامل نیروهای امنیتی و کارمندان کمیسیون انتخابات می شدند، جان های خود را از دست دادند.

۶۵ مین نشست مجمع سازمان ملل متحد در نیویارک



هئیت افغانستان تحت ریاست زلمی رسول وزیر خارجه در شصت و پنجمین نشست عمومی مجمع سازمان ملل متحد شرکت نمود

وزیر خارجهٔ افغانستان در نشست عمومی سازمان ملل روی مسایل امنیتی، بازسازی،مسایل اقتصادی و مشکلات امنیتی منطقوی و همچنان روی مبارزه با تروریزم صحبت کرد.

در این نشست وزیر خارجه از دست آورد های افغانستان طی نه سال گذشته یادآوری نمود و افزود: هنوز چالش های امنیتی مانع عمده یی بر سر راه توسعهٔ افغانستان می باشد.

وزیر خارجه با تصریح این مطلب که تروریزم یک مشکل جهانی است، افزود: مردم افغانستان ازجنگ خسته شده اند و باید جهان رویکرد همه جانبه یی را برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان و منطقه جستجو نماید.

قرار بود رئیس جمهور حامد کرزی در این اجلاس شرکت کند، اما او به اساس گفته های سخنگویان ریاست جمهوری به خاطر اینکه از روند انتخابات نظارت داشته باشد، سفرش به ایالات متحده امریکا را لغو نمود.

گفتنی است که نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هر سال یک مرتبه در نیویارک برگزار می شود که در آن سران بیش از ۱۹۲ کشور جهان روی موارد منطقه، جهان و کشورشان صحبت می کنند.



انتخابات و نگرانی ها

مصباح شعیب

بالاخره انتخابات مجلس نمایندگان ۲۷ سنبله که رقابت برای ۲۴۹ کرسی آن مجلس بود، برگزار شد.

کمیسیون مستقل انتخابات که راه اندازی و نظارت از انتخابات را مطابق قانون به عهده دارد، قبل از برگزاری انتخابات از شفافیت و رسیدگی بهتر در امور انتخابات صحبت و وعده هایی به مردم داشتند. با سپاس از مردم افغانستان که با وجود خطرهای احتمالی به پای صندوق های رأی رفتند و خواستند به کاندیدای مورد نظرشان رأی دهند، اما تا جای که شنیده شد انتخابات خالی از تخلف و تخطی و تقلب نبوده است و نیز شک و تردیدهای را در میان مردم برانگیخته است.

آقای معنوی، رئیس کمیسیون انتخابات افغانستان نیز پذیرفته است که، کاستی های در انتخابات وجود داشته است. او تأکید نمود که، به تخطی ها و تقلب های انتخاباتی توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی رسیدگی می شود و تا زمانی که شکایت های مطرح شده از سوی این کمیسیون بررسی نشده باشد، نتایج را اعلان نخواهیم کرد.

در تقسیم اوقات کمیسیون مستقل انتخابات روز ۱۷ میزان اعلان نتایج ابتدایی و روز ۸ عقرب اعلان نهایی کاندیدای انتخابات مجلس نمایندگان درج شده است.

آنچه مهم است مشروعیت انتخابات می باشد. به گفته آقای معنوی نه میلیون و دو صد هزار نفر در افغانستان واجد رای بودند که نظر به ارقام جدید ۴۷ درصد آنها در انتخابات اشتراک کرده اند.

مسوولان کمیسیون شکایات انتخاباتی تأیید کرده اند که شکایاتی برای شان رسیده است. "این شکایات بیشتر در ارتباط ص۶